

بررسی جایگاه سیاسی شیخ محمدباقر آیتی بیرجندی در منطقه قاینات

سال سیزدهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۰

شماره صفحه: ۱۶۷-۱۵۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱

محمد ولی پور^۱

حمیدرضا وردی^۲

چکیده

یکی از مقوله‌های در خور توجه در بررسی زندگی عالمان شیعی، ارزیابی حیات اجتماعی و مواضع سیاسی آنها است. شیخ محمدباقر آیتی از عالمان پرآوازه‌ای است که حیات علمی و آثار قلمی اش در عرصه مطالعات فرهنگ تشیع تاثیر گذار بوده است. علاوه بر جنبه‌های علمی، آیت الله محمدباقر گزازی در رخدادهای سیاسی زمانه‌اش مواضع خاصی اتخاذ کرده که مقاله حاضر در صدد واکاوی آن است. دستاوردهای حاصل از این پژوهش بیانگر نقش تأثیرگذار شیخ محمدباقر در مسائل مختلف سیاسی از قبیل: موضع‌گیری او در قبال مشروطه و برخی از مسایل سیاسی منطقه، رفع اختلاف بین افراد خاندان حاکم محلی و رفع اختلاف بین طرفداران دو گروه سیاسی منطقه (حشمتی و شوکتی) است. بعضی از اقدامات و مواضع شیخ محمدباقر آیتی نظیر موضع‌گیری او در قبال مشروطه حتی منجر به تقابل وی با علما و دیگر معاصرانش نیز شده و او را در برابر حاکم منطقه قرار داده و به عزل او از تولیت اوقاف انجامیده است.

واژگان کلیدی: محمدباقر آیتی، بیرجند، مواضع سیاسی، عالمان شیعی

مقدمه

در طول تاریخ ایران اسلامی نقش و عملکرد علما در مسایل سیاسی همواره در خور توجه بوده است چنان که موضع گیری های آنها باعث تحولات مهم اجتماعی - سیاسی شده است. در این بین یکی از علمای معاصر که جایگاه مهمی در تحولات سیاسی منطقه قنات داشته است، شیخ محمدباقر آیتی بیرجندی است. شیخ محمدباقر در سال ۱۲۷۶ ه. ق در روستای گازار از توابع بیرجند به دنیا آمد (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۱). وی از خانواده ای ریشه دار و اهل علم، فضل و فرهنگ بود که نسبش از جانب پدر به اشرف الشرفا (م ۱۱۴۹ ه. ق) و از ناحیه مادر به ملا محمدباقر بن مسعود علی شیرخوندی، از علمای عهد نادرشاه می رسد (مرعشی، ۱۴۱۶ ق.، ج ۲: ۱۲). او تحصیلات خود را در بیرجند، قاین و مشهد گذراند (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۸۷). شیخ محمدباقر با حمایت و مساعدت میرزا خانلرخان اعتصام الملک در حوزه مشهد نزد استادان مجربی به تحصیل پرداخت (اعتصام الملک، ۱۳۵۱: ۲۰۳). وی فقه را در مشهد نزد استادانی چون میرزا هدایت الله ابهری تلمذ نمود و عمده تحصیلات عالییه خود را در نجف و سامرا نزد آیت الله سید محمد حسن شیرازی (م ۱۳۱۲ ه. ق) گذراند (امین، ۱۴۲۰ ق.، ج ۷: ۱۸۱)، و پس از اتمام تحصیلات در عتبات به مکه معظمه مشرف شد و در سال ۱۳۰۵ ه. ق/ ۱۲۶۶ ه. ش به بیرجند مراجعت نمود و به رتق و فتق امور شرعی مردم مشغول شد (رازی، ۱۳۵۲: ۲۶۶). او پس از عمری مجاهدت در ذی الحجه سال ۱۳۵۲ ه. ق/ ۱۳۱۳ ه. ش بدرود حیات گفت و در قبرستان بیرجند به خاک سپرده شد. هم اکنون مزار او در وادی الحمامه در قبرستان شمالی بیرجند قرار دارد (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۴-۳۱۵).

با توجه به اهمیت علما و نقش مؤثر آنان در زمینه های مختلف بویژه ظلم ستیزی و موضع گیری در قبال جنبش های گوناگون سیاسی در تاریخ ایران، این نوشتار سعی دارد به این پرسش اصلی پاسخ دهد:

- شیخ محمدباقر در قبال مسایل سیاسی منطقه چه موضعی اتخاذ کرده است؟

در باب پیشینه تحقیق می توان به موارد زیر اشاره کرد:

اولین پژوهش کتاب بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان از محمدحسین

آیتی (۱۳۷۱) است. نویسنده در این اثر صرفاً به شرح حال و آثار سه تن از رجال برجسته این خاندان یعنی شیخ محمدباقر، شیخ محمدابراهیم و شیخ محمدحسین (مؤلف) پرداخته است. محمدرضا بهنیا (۱۳۸۱) نیز در کتابی به نام بیرجند نگین کویر به رجال برجسته این خاندان و فهرست آثار ایشان اشاره مختصری دارد. زهرا علیزاده بیرجندی (۱۳۸۲) نیز در کتاب تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند به معرفی سه تن از رجال برجسته این خاندان (محمد باقر، محمد ابراهیم و محمد حسین) و آثار آنها پرداخته است.

تحقیقاتی نیز اختصاصاً در مورد شیخ محمد باقر آیتی صورت گرفته است؛ از جمله پژوهشی تحت عنوان "شیخ محمد باقر بیرجندی" از انصاری قمی (بی تا). گرچه نویسنده در این اثر به مباحثی پیرامون شخصیت آیتی، مقامات علمی و آثار او اشاره دارد، اما به جایگاه سیاسی این عالم پرداخته نشده است.

زهرا علیزاده بیرجندی (۱۳۹۲) و همکارانش در "جایگاه اجوبه‌های علمای بیرجند در مطالعات تاریخ محلی" به اجوبه فقهی علمای بیرجند از جمله به فتواهای شیخ محمد باقر آیتی پرداخته‌اند. در این مقاله همچنین به رابطه معنادار بین فعالیت‌های این شخصیت و تحولات فرهنگی بیرجند اشاره شده، اما به مسایل سیاسی پرداخته نشده است.

فاطمه خسروی (۱۳۹۱) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "آیت الله شیخ محمد باقر آیتی و تحولات اجتماعی و فرهنگی بیرجند از سال ۱۲۶۶ تا ۱۳۱۳ هجری شمسی" به نقش معنادار شیخ محمد باقر در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی منطقه بیرجند پرداخته است.

سمیرا عباسلو (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی به نام "جایگاه اجوبه‌های علمای قایانات در تدوین تاریخ اجتماعی منطقه در دوره دوم قاجاریه تا پایان این سلسله" به فتواهای شیخ محمد باقر و تأثیرات آن در امور اجتماعی اشاره مختصری دارد.

وجه تمایز این پژوهش با تحقیقات فوق این است که در مقاله حاضر سعی شده صرفاً به فعالیت‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی اثرگذار شیخ محمد باقر آیتی در منطقه و کشور پرداخته شود.

- نقش سیاسی آیت الله محمدباقر گزاری در زمان امیرعلم خان سوم^۱ (م ۱۳۰۹ق) و محمداسماعیل خان^۲ (م ۱۳۲۲ق): محمد باقر بیرجندی در سایه حمایت حشمت‌الملک (امیر علم خان سوم) و میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک که مأمور تعدیل مالیات سیستان و خراسان بود در مشهد به تحصیل مشغول شد. امیرعلم خان سوم در راستای حمایت از تحصیل دانش، برات شش تومان کمک هزینه تحصیلی به نام آیت الله محمدباقر گزاری کارسازی نمود (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۸۷). بنا به گفته اعتصام‌الملک، حشمت‌الملک به حوزه‌های علمیه آن روز که در بیرجند، قاین و درخش دایر بود سالی هفتصد تومان کمک می‌کرد و در رسیدگی به امور دین کوشا بود (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱: ۲۰۴). بنابراین به نظر می‌رسد که در راستای این سیاست و عقیده باطنی خود از آیت الله محمدباقر گزاری حمایت کرده و او را برای ادامه تحصیل تشویق نموده است. هنگامی که آیت الله محمدباقر گزاری پس از فراغت از تحصیل در عتبات، به بیرجند عزیمت نمود؛ حشمت‌الملک از او استقبال کرد. مردم بیرجند و حاکم منطقه از او درخواست نمودند که در این شهر بماند و به رتق و فتق امور شرعی مردم بپردازد. به گفته راشد محصل قبل از مراجعت محمد باقر، حاکم شرعی بیرجند و قاینات محمدحسن هردنگی بوده که در قریه هردنگ ساکن بوده است (راشد محصل، ۱۳۴۲: ۳). قبول حاکمیت شرعی و همکاری او با حاکم منطقه و رسیدگی به امور مردم در ایجاد امنیت منطقه مؤثر افتاد. اولین چالشی که وی در منطقه با آن مواجه شد حضور پررنگ ملاهای اهل سنت بود که مولوی ابراهیم حنفی در رأس آنها قرار داشت. مولوی ابراهیم با مناظراتی که ترتیب داده بود و با تبلیغات گسترده خود، امیرعلم خان سوم را مردد کرده بود، زیرا علم خان با درخواست‌های مکرر او مواجه شده بود که از

۱. یکی از مشهورترین حاکمان محلی قاینات بود که در دوره ناصرالدین شاه قاجار حکومت ولایت قاینات به او سپرده شده بود که اجداد او از زمان نادر در این منطقه قدرت را درست داشتند. وی در دوره ناصرالدین شاه به دلیل سرکوبی یاغیان بلوچ و افغان و ایجاد امنیت در شرق ایران به لقب امیر تومانی از طرف شاه ملقب شد و شمشیر مرصع دریافت داشت (رجوع کنید به: منصف، ۱۳۵۴: ۲۰-۲۳).

۲. امیر اسماعیل خان پسر حشمت‌الملک بود که در اواخر حکومت ناصرالدین شاه و اوایل حکومت مظفرالدین شاه قاجار حاکم قاینات بود و به شوکت‌الملک اول شهرت داشت و چون فرزندی نداشت اموال خود را به نام برادرش محمد ابراهیم خان هبه نمود. محمدابراهیم مشهور به شوکت‌الملک دوم از ۱۲۸۴ش به حکومت قاینات رسید (همان: ۱۴-۱۶).

او می‌خواست تغییر مذهب دهد که امیر آن‌را به بعد از مناظره موکول کرده بود (آیتی، ۱۳۷۶: ۲۰۴). در این مناظره آیت الله محمدباقر گزاری پیروز میدان می‌گردد و شهره می‌شود البته بعضی از معمرین بیرجند اعتقاد دارند که امیرعلم خان سوم سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" داشت و از این طریق قصد تفرقه‌انگیزی و حکومت‌گری داشته است.^۱ اما این مسأله با خصوصیتی که خانلرخان از او ذکر می‌کند و شرح آن گذشت مغایرت دارد. بلکه به نظر می‌رسد که وی بر اساس اعتقادات باطنی که داشته در صدد کم‌کردن نفوذ فرقه حنفی اهل سنت که از ناحیه هرات تقویت می‌شد، بوده است. چنان‌که قبل از ورود آیت الله محمدباقر گزاری به بیرجند ملا محمدحسن هردنگی را هم برای مقابله با مولوی شمس هراتی تقویت می‌کرده است (هردنگی، ۱۳۹۶: ۱۵-۳۵). قبل از او سید ابوطالب قاینی هم در رد این ملای متعصب کتاب نوشت. پس از پیروزی آیت الله محمدباقر گزاری در این مناظره بر حریف قدرتمند، امیرعلم خان سوم از او می‌خواهد که در بیرجند بماند و به نجف برنگردد. همچنین مولوی ابراهیم حنفی که به قدرت علمی آیت الله محمدباقر گزاری واقف می‌شود به پیروان خود توصیه می‌کند که مسایل شرعی خود را از آیت الله محمدباقر گزاری بپرسند. او نه تنها بر فقه شیعه تسلط داشت و شیعیان قاینات احکام شرعی خود را از او می‌آموختند بلکه بر فقه اهل سنت هم واقف بود و حنفی‌های منطقه هم مسایل شرعی خود را از او یاد می‌گرفتند. او در این زمینه به حدی مهارت داشت که در نامه‌ها و پیام‌های دولتی هرات از او با لقب "مفتی الفریقین" یاد شده است (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۰۶) آیت الله محمدباقر گزاری پس از سکونت در بیرجند حاکم شرعی می‌شود و در بسیاری از مسایل حکومتی به دلیل نفوذ کلام او در بین مردم مورد مشورت قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین مسأله سیاسی که آیت الله محمدباقر گزاری در اوایل سکونت در بیرجند با آن مواجه شد، فوت حشمت‌الملک (۱۳۰۹ ق.) و به قدرت رسیدن دو پسر او یعنی علی اکبرخان حسام الدوله دوم در سیستان و محمداسماعیل خان شوکت‌الملک اول در بیرجند و قاینات بود. به عبارت دیگر با تقسیم قدرت و قلمرو امیرعلم خان سوم

۱. مصاحبه با محمد ابراهیم ربانی مورخ ۱۳۹۷/۴/۴

حشمت‌الملک بین فرزندان او، رقابت و درگیری سیاسی بین آنها و طرفدارانشان پدید آمد (شاهدی، ۱۳۷۷: ۶۱). اطرافیان هریک از این دو رقیب تا می‌توانستند آتش کینه و دشمنی بین دو برادر را شعله ور می‌کردند تا به منافع خود برسند (منصف، ۱۳۵۴: ۳۷). در این زمان آیت الله محمدباقر گزاری به عنوان حاکم شرع شناخته می‌شد و تولیت اوقاف بیرجند که باید به دست اعلم علمای زمان باشد توسط امیر محمد اسماعیل علم به او سپرده شده بود. در این میان برادر بزرگتر یعنی علی اکبرخان چون نتوانسته بود به جانشینی مطلق پدر برسد، نوعی احساس کینه نسبت به برادر کوچکتر خود پیدا کرد و از طرف دیگر چون منطقه قاینات کرسی نشین بود و از مرکزیت بیشتری برخوردار بود، امیر محمد اسماعیل به سهولت توانسته بود به ارشدیت سیاسی نایل آید و این امر برای حسام الدوله دوم نگران کننده بود (شاهدی، ۱۳۷۷: ۶۲). در این اوضاع و احوال بود که زمزمه‌های مشروطه خواهی در ایران بروز کرد. همزمان با بروز و ظهور اندیشه‌های جدید، حادثه سیاسی مهمی در ولایت قاینات اتفاق افتاد که پای محمدباقر بیرجندی را بیشتر به مسایل سیاسی کشاند و جایگاه سیاسی او را بیشتر از قبل برجسته نمود. این حادثه مرگ امیر محمد اسماعیل خان (شوکت الملک اول) و جانشینی محمد ابراهیم (شوکت الملک دوم) و قضیه هبه نامه بود.

موضوع آیت الله محمدباقر گزاری در مورد هبه نامه امیر محمد اسماعیل و تأثیرات آن در منطقه

از آنجا که امیرمحمد اسماعیل فرزندی نداشت علاقه خاصی به برادر کوچکتر خود محمد ابراهیم - که با او ناتنی هم بود - ابراز می‌کرد و نوعی احساس پدرا نه در حق او رعایت می‌نمود. لذا هبه نامه‌ای تنظیم کرد و براساس آن محمد ابراهیم را وارث ثلث اموال خود قرار داد. هبه نامه به خط محمد اسماعیل است و رونوشتی هم از آن به خط شیخ محمد هادی هادوی تنظیم شده است که هر دو به مهر آیت الله محمدباقر گزاری مهور شده است. در این هبه نامه محمد اسماعیل تمامی اموال خود را به جز پاره‌ای موارد که در سند قید شده به برادرش محمد ابراهیم هبه نموده است. به شرطی که یک ثلث وقف و یک ثلث به محمد ابراهیم و یک ثلث هم برای مخارج مورد نیاز و هر کس

حق شرعی داشته باشد به او بدهند (آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۹۳۲۰۸). تاریخ این سند ۱۳۲۲ هـ ق می‌باشد.

با توجه به اختلافات و درگیری‌های دو برادر یعنی علی اکبر خان حسام‌الدوله و محمد اسماعیل خان شوکت‌الملک اول که بر اوضاع سیاسی و اجتماعی قاینات اثر گذاشته بود، انتشار خبر این هبه نامه بیشتر باعث نگرانی علی اکبر خان شد، لذا رقابت‌ها شدیدتر شد و جنگ شوکتی و حشمتی در منطقه شدت گرفت تا جایی که هر دو برادر از طریق حکومت مرکزی به تهران فراخوانده شدند (منصف، ۱۳۵۴: ۴۹) در این میان محمد اسماعیل به خاطر بیماری عذر خواهی نموده، به جای خود محمد ابراهیم را روانه تهران کرد و از طرف دیگر علی اکبر خان به تهران رفت. هنگامی که دو برادر در تهران بودند خبر درگذشت محمد اسماعیل به تهران رسید و ضمن برگزاری مراسم بزرگداشت برای او، عین‌الدوله حکومت قاینات را به محمد ابراهیم واگذار کرد و او را به لقب شوکت‌الملک دوم ملقب نمود. این واقعه بر شدت عصبانیت حسام‌الدوله افزود و برای برکناری برادر کوچکتر از حکومت قاینات دست به کار شد و ضمن شکایت به وزیر داخله یعنی مشیرالدوله^۱ صحت هبه نامه را زیر سؤال برد و مدعی سهم الارث خود و به تبع آن خواستار حکومت قاینات شد (آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۱/ ۲۴۶۶). بنابراین صحت این هبه نامه سندی محسوب می‌شد در جهت تثبیت حکومت محمد ابراهیم بر قاینات که از حیث سیاسی و اجتماعی اهمیت خاصی داشت. لذا تأیید صحت آن از جانب علما و مراجع ذی نفوذ اجتماعی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده بود. محمد ابراهیم شوکت‌الملک دوم که از نفوذ کلام و موقعیت اجتماعی محمدباقر بیرجندی به خوبی آگاهی داشت، ابتدا از آیت الله محمدباقر گازاری کتباً درخواست تأیید مجدد هبه نامه را نمود، چنان که در متن سند آمده است "خدمت جناب مستطاب، شریعتمدار، ملاذالانام آقای حاج شیخ محمدباقر دامها قضالله و تعالی سند هبه نامچه مرحوم مبرور مآب سرکار امیرشوکت

۱. وی پسر میرزا نصرالله نائینی و از رجال نامی دوره قاجاریه است که مشهور به حسن پیرنیا می‌باشد (۱۳۱۴۱۲۵۱ ش). مشیرالدوله تحصیل کرده مسکو بود و در سمت‌های مختلف در عصر قاجاری چون وزارت داخله، وزارت خارجه، و نخست‌وزیری ... خدمت کرد در سفرهای ناصرالدین شاه به عنوان منشی صدراعظم و مترجم شاه حضور داشت (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۱۰۲-۱۰۳).

الملك، نورالله مرقدہ و عطر الله مضجعہ کہ مہمپور بہ مہر جنابعالی و باقی علمای بیرجند از قبیل جناب مستطاب شریعتمدار آقای حاجی محمد دامہا قضی اللہ است کہ مکرراً ملاحظہ فرمودہ اید وقوع صحت آنرا مرقوم فرمودہ اید. حال آنچه بر جنابعالی در این خصوص فعلاً معلوم است از وقوع ہبہ و صحت عمل آن در حشو مرقوم فرمایید زیاد تصدیع است" (آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانہ‌ها، موزہ‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۶۲۹/۱). شیخ محمدباقر در حاشیہ نامہ سمت راست این چنین نوشتہ است:

"بسم اللہ تعالی: ہبہ نامچہ مرقوم صحت آن معلوم است بہ همان نہج کہ در ہامش سند اصل و سواد آن، این ضعیف نوشتہ ام و حال نیز عمل بہ آن را واجب می دانم و ماشہد الا بما علمت و حررہ بید الاثرہ الجانیہ فی الثامن من شہر جمادی الاولی سنہ ۱۳۲۳. محمدباقر العلوم" (ہمان).

این درخواست و تأییدہ کہ تثبیت حکومت محلی را در پی داشت و از درگیری‌های حشمتی و شوکتی پیشگیری کرد، نشان دہندہ جایگاہ والای سیاسی - اجتماعی این شخصیت دینی است. گرچہ عین الدولہ صدراعظم، طرفدار شوکت الملك بود ولی باید بہ شکایت برادرش علی اکبرخان در خصوص موضوع ہبہ نامہ رسیدگی می کرد. لذا مشیرالدولہ، وزیر داخلہ با اطلاع از جایگاہ دینی و نفوذ حاج شیخ محمدباقر طی نامہ‌ای بہ وسیلہ تلگراف از او می خواہد کہ از تقسیم ارثیہ محمد اسماعیل تا رفع شکایت حشمت الملك دوم خودداری نماید. در متن تلگراف چنین آمدہ است:

«خدمت جناب مستطاب آقا شیخ محمدباقر مجتہد سلم اللہ. چون جناب حشمت الملك دوم در باب حقوق ارثیہ خود از مرحوم شوکت الملك پارہ گفتگو دارد کہ در حیات آن مرحوم ختم نشدہ و تکلیف حقوق او غیر معلوم ماندہ و حالا باید بہ قانون شرع مطاع و از روی صحت و درستی قطع این گفتگو شود. لزوماً بہ جنابعالی زحمت می دہم همان طور کہ جناب مستطاب آقا شیخ ہادی و معززالملک^۱ درب اطاق های مرحوم شوکت الملك را مہر کردہ اند باید جنابعالی و عمدہ الدراء محمدرضا خان^۲ مہر

۱. وی از رجال دورہ قاجاری است کہ بجنوردی است و در دورہ مذکور حاکم جاجرود بودہ و پدر عبدالحسین تیمور تاش است در دورہ مورد نظر موقتاً بہ دلیل اینکہ امیراسماعیل از رفتن بہ تہران عذر آورد از طرف حکومت مرکزی حکومت قاینات بہ او سپردہ می شود (رجوع کنید بہ: آیتی، ۱۳۷۱: ۱۱۹).

۲. وی برادر امیر معصوم خان حسام الدولہ و پسر امیر علی اکبرخان حسام الدولہ دوم بود کہ پس از کنارگیری

نمایند و مراقب باشند که مهر اتاق بر ندارند و ابداً تصرفی در اموال آن مرحوم نشود تا حشمت الملک دوم به قاین آمده و با اطلاع جنابعالی شرعاً احقاق حق مشارالیه و رفع این اختلاف به عمل آید مشیرالدوله به تاریخ ۲۴ جمادی الاول ۱۳۲۳ هـ.ق» (آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۱/۲۴۶۶).

این سند بیانگر این است که شیخ محمد باقر در سطح کلان کشوری هم از حیث نفوذ سیاسی و اجتماعی مورد تأیید بوده و عملکرد سیاسی مهمی داشته است؛ تا جایی که مهر و تأییدیه او می‌توانست حاکم محلی را زیر سؤال ببرد و یا او را به چالش بکشد، و یا اوضاع آشفته را سر و سامان بدهد. نکته حائز اهمیت این است که وی در سیاست، تابع دولت مرکزی و یا امیر وقت نبوده است. گرچه القاب احترام آمیز در مکاتبات خود بکار برده است، اما هنگامی که مشیرالدوله به او دستور توقف تقسیم ارثیه می‌دهد براساس استقلال رأیی که دارد می‌نویسد: این هبه نامه مطابق با شرع مقدس اسلام صورت گرفته و نمی‌توانم از انجام آن جلوگیری نمایم. چنان که در قسمتی از سند آمده:

"احقر خودم در وقوع آن بوده و تصرف و مداخله را خلاف قواعد شرع مطاع می‌دانم، خادم الشریعه محمدباقر" (آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲/۲۴۶۶). در پی این اقدام محمد باقر، حکومت محمد ابراهیم تأیید شد و او هم به مفاد وقف‌نامه عمل کرد و یک سوم اموال را صرف آموزش نوین در بیرجند نمود و مدرسه شوکتیه را تأسیس نمود که در اوضاع فرهنگی ایران بویژه منطقه از طریق تربیت افرادی چون پورفسور گنجی و دکتر اسماعیل رضوانی مؤثر افتاد.

– موضع شیخ محمدباقر در مورد مشروطه

هنگامی که با تأیید هبه نامه توسط آیت الله محمدباقر گزازی و اقدامات محمد ابراهیم، حکومتش به ثبات رسید، وی به رقابت با برادر ادامه داد. علی اکبرخان حسام الدوله دوم به دلیل کبر سن و خستگی ناشی از فعالیت های سیاسی و نظامی، حکومت سیستان و طبس را به پسرش امیر معصوم خان (حسام الدوله سوم) واگذار کرد (آیتی، ۱۳۷۶:

شوکت الملک از کار به حکومت سیستان رسید و برادر دیگر او امیر معصوم خان به حکومت قاین رسید (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۲۴).

۲۱۱). مقارن اختلاف این دو امیر افکار مشروطه و حکومت قانون که از مدت‌ها قبل در جامعه ایرانی رسوخ کرده و نفوذ آن به ایالت‌ها هم رسیده بود بر استبداد پیروز شد و حکومت مشروطه در ایران به فرمان مظفرالدین شاه در سال ۱۲۸۵ هـ.ش / ۱۳۲۴ هـ.ق استقرار یافت (ملک‌زاده، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۷۹). زمانی که امیر محمد ابراهیم توسط عین الدوله همراه با برادر به تهران فراخوانده شده بود با مشروطه خواهان مانند حاجی علی قلی خان سردار اسعد و محمد ولی خان تنکابنی سپهسالار^۱ ملاقات‌هایی داشت و افکار انقلابی و تمایلات مشروطه‌خواهی در او شکل گرفته بود و حمایت از آن را وجهه همت خود ساخته بود (منصف، ۱۳۵۴: ۴۴). یکی دیگر از عواملی که سبب شده بود محمد ابراهیم به مشروطه گرایش پیدا کند، وجود روحانی بزرگی چون محمد هادی هادوی بود که مقتدای او بود. که در مورد مشروطه لوایح می نوشت. در این مورد شیخ محمدباقر با امیر محمد ابراهیم و شیخ هادوی اختلاف عقیده داشت. شیخ محمدباقر با مشروطه مخالف بود و آنرا مخالف با اسلام می دانست، وی با استبصار از نظرات آیه الله سید اسماعیل صدر و شیخ فضل الله نوری که مشروطه را در جهت اهداف سیاسی غرب احساس می کردند و آن را مشروع و بر وفق مصالح جامعه نمی شمردند، افقی نزدیک داشت. امیر علی اکبر خان حسام الدوله دوم هم پیرو شیخ محمد باقر بود، اما امیر محمد ابراهیم از نظرات محمد هادی هادوی و به تبع آن سید عبدالله بهبهانی و آیت الله سید محمد طباطبایی پیروی می کرد. لذا مشروطه را وجه همت خود قرار داده بود (آیتی، ۱۳۷۶: ۲۱۲). نتیجه این اختلاف رأی در منطقه این شد که شیخ محمد باقر با شوکت الملک دوم اختلاف پیدا کرد. به این ترتیب وی از حیث مرام و مشی سیاسی به رقیب محمد ابراهیم نزدیک بود و از او حمایت کرد. قطعاً چون شیخ محمد باقر نفوذ اجتماعی قابل ملاحظه‌ای داشت، برای محمد ابراهیم خان نگران کننده بود. به نظر می رسد آیت الله محمدباقر گازاری سعی می کرد در مسایل سیاسی و اجتماعی مختلف، استقلال رأی خود را حفظ کند. حمایت او از محمد ابراهیم در قضیه هبه نامه که تأیید حکومت شوکت الملک دوم را در پی داشت و همچنین در دست داشتن موقوفات مهم منطقه

۱. هر دو از فاتحان تهران هستند که در دوره استبداد ضعیف برای فتح تهران اقدام کردند. سردار اسعد در رأس نیروهای اصفهان و محمودولی خان از تبریز به تهران آمدند و همراه با یفرم خان ارمنی به فتح تهران اقدام نمودند.

از طرف پدر و برادر امیر و ادامه روند آن توسط محمد ابراهیم چنین القاء می کند که محمد باقر باید از شوکت الملک دوم در برابر حسام الدوله دوم حمایت کند و مشروطه خواه باشد، اما درست برعکس، در قضیه مشروطه از در مخالفت با امیر در می آید و مشروطه را مخالف شرع مقدس می داند (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۲۳).

هنگامی که محمدعلی شاه مجلس شورای ملی را به توپ بست و موقتاً مشروطه تعطیل شد (کسروی، ۱۳۶۹: ۶۴۶) و بسیاری از امرای ولایات عوض شدند، امیر قاینات هم از قدرت خلع شد و به جای او امیر حسام الدوله دوم که از طرفداران محمدعلی شاه بود به قدرت رسید (منصف، ۱۳۵۴: ۴۱). بنابراین در دوره استبداد صغیر، حسام الدوله دوم در بیرجند قدرت را در دست داشت. شیخ محمد باقر که پیرو شیخ فضل الله و از نظر تفکر سیاسی به حسام الدوله دوم نزدیک بود، بیشتر مورد توجه قرار گرفت و امور شرعی و موقوفات کماکان در دست ایشان بود. امیر حسام الدوله دوم هم به توصیه های شیخ محمد باقر عمل می نمود؛ چنانکه در مورد درخواست مردم خوسف از شیخ محمد باقر مبنی بر رسیدگی به شکایت آنها از سید حامد که اسناد خوسفی ها را به مردم تحویل نمی داد، نامه ای به حسام الدوله دوم نوشته، از او می خواهد به شکایت مردم خوسف رسیدگی کند که حسام الدوله دوم هم دستور رسیدگی را صادر می کند (خسروی، ۱۳۹۱: ۶۳).

در این میان محمد ابراهیم شوکت الملک که از قدرت خلع شده بود به توصیه محمد هادی هادوی که نقش مشاور او را داشت، عازم عتبات شد و هنگام برگشت در تهران با مجامع مشروطه و فاتحان تهران طرح دوستی مستحکم تری ریخت و هنگامی که فاتحان تهران محمدعلی شاه را از قدرت خلع کردند با دریافت حکم امارت قاینات به بیرجند آمد (منصف، ۱۳۵۴: ۴۴-۴۷). در ۲۹ شهریور ۱۲۸۸ هـ.ش شوکت الملک دوم مجدداً امور حکومت قاینات را به دست گرفت (رفیعی، ۱۳۹۴: ۱۶۵). قبل از اینکه شوکت الملک دوم مجدداً حکومت را در قاینات رسماً به چنگ آورد، در این منطقه درگیری های مختصری پدید آمده بود، چنان که در گزارش های کنسولگری انگلیس به تاریخ ۳۰ مرداد ۱۲۸۸ آمده است:

«انجمن بیرجند فعلاً دو گروه شده اند یک گروه تحت زعامت مجتهد شیخ محمد هادی

از شوکت الملک طرفداری می‌کنند و گروه دیگر با نفوذ کمتر به رهبری شیخ محمد باقر طرفدار حاکم اند، مجتهد اخیر که قبلاً طرفدار شوکت الملک بوده اکنون طرفدار حسام الدوله دوم شده است» (همان: ۱۳۹). بعد از انتصاب محمد ابراهیم اوضاع شهر بیرجند آشفته گردید و منازعه طرفداران دو امیر بالا گرفت و با سنگ و چوب و چماق به جان هم افتادند. لذا در این زمان دو مجتهد بزرگ بیرجند یعنی شیخ محمدباقر و شیخ محمد هادی جلسه‌ای ترتیب دادند و از دو امیر و افرادی از بزرگان شهر دعوت به عمل آوردند و دو امیر را آشتی دادند و صلح نامه‌ای بین آنها مبادله گردید و به مردم شهر به وسیله جارچیان اعلام شد که امرا با یکدیگر آشتی کرده اند و دیگر موجبی برای جدال وجود ندارد. لذا آرامش در شهر حاکم شد (آیتی، ۱۳۷۶: ۲۱۹-۲۲۰). واقعه فوق نشانگر تأثیر نفوذ معنوی او در مسایل سیاسی و اجتماعی آن روزگار است. پس از اینکه شوکت الملک رقیب را از صحنه خارج کرد: «برای استحکام بیشتر قدرت خود و قدردانی از زحمات شیخ محمد هادی اوقافی را که تولیت آن با اعلم علمای بیرجند بود و در زمان امارت پدرش، به حاج شیخ محمد باقر سپرده شده بود به حاج شیخ محمد هادی منتقل کرد» (همانجا). در این زمینه شیخ محمد باقر که بیشتر اهل درس و بحث و تألیف بود، حساسیتی به خرج نمی‌دهد و به پسرش محمد حسین که قصد مقابله داشت توصیه می‌کند که دخالت نکند و هرچه زودتر بیرجند را ترک کند و برای ادامه تحصیل به نجف برود (همانجا). گرچه به این ترتیب محمد باقر از دخالت مستقیم در امور سیاسی و حکومتی برکنار شد، ولی نفوذ اجتماعی او همچنان ادامه داشت.

نتیجه

شیخ محمد باقر به دلیل نفوذ سیاسی و اجتماعی ای که در جامعه داشت در مسایل حکومتی عمدتاً مورد مشورت حاکمان محلی قرار می‌گرفت و نظرات و موضع‌گیری‌های سیاسی او برای حکومت محلی و دولت مرکزی حائز اهمیت بود. در اوایل مراجعت محمد باقر از نجف به بیرجند که حشمت الملک دوم مورد هجمه افکار تند مولوی ابراهیم حنفی قرار گرفته بود و توان مقاومت او در برابر خواسته‌های مولوی مذکور رو به کاهش بود، محمد باقر نه تنها با پیروزی خود در مناظره با مولوی ابراهیم باعث شد

که حشمت الملک دوم از تقاضای مولوی مبنی بر تغییر مذهب رهایی یابد، بلکه این امر سبب شد که مولوی به اهل سنت منطقه توصیه کند که در مسایل و مشکلات شرعی خود به محمد باقر رجوع کنند و این امر باعث تقریب دو مذهب شیعه و سنی گردید. از این روست که در بیشتر مکاتبات هرات هم از او با عنوان "مفتی الفریقین" یاد شده است.

شیخ محمدباقر همچنین در قضیه اختلاف بین حشمت الملک دوم و شوکت الملک دوم با تأیید هبه نامه محمد اسماعیل سبب تثبیت حکومت شوکت الملک دوم (محمد ابراهیم) می شود.

نکته مهم در موضع گیری های سیاسی محمد باقر این است که به دلیل نفوذ سیاسی او حکومت مرکزی هم برای حل معضل اختلافات سیاسی در منطقه بویژه قضیه هبه نامه از محمد باقر استمداد می طلبد و مهمتر اینکه محمد باقر سیاست مستقلی در این جریان اتخاذ می کند و علی رغم درخواست دولت مرکزی که از او می خواهد اجرای هبه نامه را متوقف نماید، در پاسخ نامه وزیر داخله می نویسد: هبه نامه مطابق شرع مقدس تنظیم شده و لازم الاجرا است.

در جریان مشروطه نیز با وجود اینکه حاکم منطقه از آن حمایت می کند، اما شیخ محمد باقر به دلیل اینکه مشروطه را مخالف شرع مقدس می داند با آن مخالفت کرده، از حسام الدوله دوم حمایت می کند که این مساله بیانگر سیاست مستقل اوست. چنانکه پس از یکسال که استبداد صغیر از بین می رود و محمد ابراهیم دوباره به حکومت می رسد، به دلیل همین موضع گیری، او را از تولیت اوقاف عزل می کند؛ ولی وی به آن اعتنا نمی کند و بعد از آن به فعالیت هایی در جهت رشد و تعالی علم و فرهنگ، مانند تأسیس مدرسه شوکتیه یا احقاق حقوق مردم مظلوم و محروم می پردازد.

منابع

- آیتی، ابوالحسن (۱۳۷۶). *خاطراتی از بیرجند و رویدادهای سیاسی*. تهران: موفق.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قائنات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- اعتصام الملک، خانلرخان (۱۳۵۱). *سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام الملک*، ج ۱. قم: ناصر.
- امین، محسن (۱۴۲۰ ق.). *اعیان الشیعه*. بیروت: دارالتعاریف للمطبوعات.
- انصاری قمی، ناصرالدین (بی تا). "آیت الله شیخ محمدباقر بیرجندی". مسجد، ش ۴۴: ۵۷-۵۵.
- بهنیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *بیرجند، نگین کویر*. تهران: دانشگاه تهران.
- خسروی، فاطمه (۱۳۹۱). "آیت الله شیخ محمدباقر آیتی گزاری و تحولات اجتماعی فرهنگی بیرجند از سال ۱۲۲۶ تا ۱۳۱۳ هجری شمسی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- رازی، محمد شریف (۱۳۵۲). *گنجینه دانشمندان*. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۴۲). "بحثی درباره آثار شش تن از علمای قهستان". پایان نامه کارشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رفیعی، محمود (۱۳۹۴). *گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات از ۱۹۰۹-۱۹۱۱ م*. تهران: هیرمند.
- سعیدزاده، محسن (۱۳۶۹). *بزرگان قاین*. قم: ناصر.
- آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۴۶۶/۱.
- آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۶۲۹/۱.
- آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۴۶۶/۲.
- آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۹۳۲۰۸.
- شاهدی، مظفر (۱۳۷۷). *زندگی سیاسی خاندان علم*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ

معاصر.

- عباسلو، سمیرا (۱۳۹۲). "جایگاه اجوبه‌های علمای قاینات در تدوین تاریخ اجتماعی منطقه در دوره دوم قاجاریه تا پایان این سلسله". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
 - عزیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۲). *تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند*. بیرجند: رزقی.
 - عزیزاده بیرجندی، زهرا، و دیگران (۱۳۹۲). "جایگاه اجوبه‌های علمای بیرجند در مطالعات تاریخ محلی". *فصلنامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، سال هفتم، ش ۴ (تابستان): ۲۹-۵۹.
 - کسروی، سیداحمد (۱۳۶۹). *تاریخ انقلاب مشروطه*. تهران: امیرکبیر.
 - مرعشی، محمود (۱۴۱۶ق). *المسلسلات فی الاجازات*. قم: مطبعه آیت‌الله مرعشی.
 - معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۱). *رجال عصر ناصری*. تهران: نشر تاریخ ایران.
 - ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳). *تاریخ انقلاب مشروطه ایران*. تهران: علمی.
 - منصف، محمدعلی (۱۳۵۴). *امیر شوکت‌الملک علم، امیر قاین*. تهران: امیرکبیر.
 - هردنگی، محمدحسن (۱۳۹۶). *تأملات کلامیه*. تصحیح و شرح و تحشیه علی محمد ولوی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مصاحبه‌ها:**
- ربانی، محمدابراهیم. مصاحبه مورخ ۱۳۹۷/۴/۴.